

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پژوهشهای موضوعی

- ۴ طبرسی، اسوه و الکوی مفسران
حسن حکیم باشی
- ۱۶ روش تفسیری مجمع البیان
سید حسین هاشمی
- ۳۸ منطق تفسیر در نگاه طبرسی
محمد بهرامی
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی
- ۶۲ نظریات و ویژگی‌های علامه طبرسی
محمد حسن ربانی
- ۸۸ کاوشی در مباحث کلامی مجمع البیان
سید موسی صدر
- ۱۰۴ رویکرد ادبی - تفسیری مجمع البیان
دکتر مرتضی ایروانی
- ۱۲۶ طبرسی و تفسیر قرآن برپایه فرهنگ زمان نزول
سید حیدر علوی نژاد
- ۱۳۶ ایمان و اسلام از منظر طبرسی
محمد فرجاد
- ۱۴۶ نقدی سندی‌شناسانه بر احادیث مجمع البیان
نعمت الله صالحی نجف آبادی

طبرسی، صاحب «نثر اللثالی» و نیز «مشکوة الانوار» است که در تکمیل کتاب مکارم الاخلاق نگاشته شده است. ابومنصور احمد بن علی بن علی بن ابی طالب نیز به نام طبرسی شهرت یافته که کتاب «الاحتجاج» بدو نسبت داده می‌شود و با صاحب مجمع البیان نسبتی ندارد.

در آوانگاری شهرت طبرسی اختلاف شده است، برخی او را طَبْرسی خوانده‌اند، به دعوی آن که نسبت به طبرستان می‌برد. میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء و محمدباقر خوانساری در روضات الجنات بر این اصرار دارند. بسیاری نیز گفته‌اند نسبت به طبرستان، طبری یا طبرانی یا طبرستانی خواهد بود؛ و نه طبرسی، بلکه نام دقیق مؤلف مجمع البیان، طَبْرسی است که عربی گردانیده تَفْرِشی است و تفرشی منسوب به شهری در نزدیکی قم و اراک است که شیخ ما بدانجا انتساب دارد.*

بدین صورت نیز طَبْرسی و طَبْرسی هر دو خوانده شده و در منابع گوناگون به هر دو شکل ضبط شده است. شاید دلیل گزینه اول آن باشد که در تعریف واژه‌های عجمی افزون بر تبدیل برخی حروف، حرکات نیز گاه تغییر می‌یابند و همسان‌سازی با قالب‌های شناخته شده صرفی انجام می‌شود و از آنجا که وزن فَعْلَل در زبان عرب نیست و حرکت فتحه نیز در تلفظ سبک‌تر و آسان‌تر است باید طَبْرسی خواند؛ اما آنان که طَبْرسی می‌خوانند وزن اصل را که تفرش با کسر راء است پاس می‌دارند. در این زمینه با آن که به تفصیل نگاشته‌اند، اما هنوز ابهاماتی به نظر می‌رسد؛ از آن جمله:

- از کجا و چه هنگام و چرا شیخ به طَبْرسی شهرت یافت.

- نظر به اینکه شیخ همه عمر خویش را در سرزمین‌های فارسی زبان خراسان و شاید مدتی در ری گذرانده چرا به همان نام تفرشی مشهور نگشته و از چه رو شهرت او دستخوش تعریب گردیده است.

پاسخ این دو پرسش را در آنچه تا کنون نگاشته‌اند نمی‌بینیم.

تألیفات طبرسی در تفسیر

طبرسی چنان که معروف است سه کتاب در زمینه تفسیر نگاشته که نخستین آنها «مجمع البیان لعلوم القرآن» - چنان که خود در مقدمه آورده - یا «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» است؛ - چنان که مترجمان و فهرست نویسان نگاشته اند. این کتاب در سالهای ۵۳۰ تا ۵۳۴ یا ۵۳۶ تدوین شده و طبرسی از آن با نام تفسیر کبیر یاد می کند.

نیز از آنجا که طبرسی در هنگام نگارش مجمع البیان، به کشف زمخشری دست نیافته بود، پس از دست یابی به کشف، تفسیری به نام «الکافی الشافی» تحریر کرد که در نظم و سبک، به سان کشف بود و در مطالب نیز از آن بهره فراوان برده بود. چنان که گویی گزیده کشف بود. سپس در سالهای واپسین عمر به پیشنهاد و اصرار فرزندش حسن بن فضل، صاحب مکارم الأخلاق، تفسیر جوامع الجامع را که تلخیصی از مجمع البیان همراه با افزوده‌هایی برگرفته از کشف بود تألیف کرد. این کتاب را شیخ طبرسی در سال ۵۴۲ و در مدت یک سال به تحریر درآورد. به نظر می رسد تفسیر دیگری از سوی او تألیف نشده است و آنچه برخی اظهار داشته اند که یک یا دو تفسیر دیگر نیز نگاشته مستندی نداشته است. چنان که سه تفسیر یادشده در اصطلاح، کبیر و سیط و وجیز خوانده می شوند، که هر چند «الکافی الشافی» در دست نیست، اما گویا تفسیر میانی مرحوم طبرسی جوامع الجامع است و الکافی الشافی تفسیر وجیز او بوده است. در میان عالمان شیعی برخی دیگر نیز از جمله فیض کاشانی و سید عبدالله شبر دست به نگارش سه تفسیر با سه سبک و در قالبهای کبیر، سیط و وجیز زده اند.

آنچه در این میان نقطه تاریک به شمار می آید سرنوشت نامعلوم «الکافی الشافی» است که اثری از آن در دست نیست، با آن که شیخ طبرسی خود در مقدمه جوامع نوشته است:

«پس از آن که کتاب تفسیر بزرگ خود مجمع البیان را نگاشتم، به کشف دست یافتم و با بهره جویی از آن ... الکافی الشافی را به تحریر درآوردم. این دو کتاب که نشر یافتند، عنان از دلها ربودند ... و شعله آنها هویدا شد ... پس به

سان ضرب المثل ها در شهرها رواج یافتند، و چونان خیال به هر جا راه یافتند...»

این سخنان، توصیف وضعیت سالهایی است که میانه تألیف مجمع البیان و الکافی الشافی و نگارش جوامع الجامع فاصله شده بود. اکنون با این توصیفات، چگونه نسخه ای و اثری از الکافی الشافی در دست نیست. این پرسشی است که پیگیری و کاوش نسخه شناسان و اثر پژوهان را می طلبد.

استادان و شاگردان طبرسی

دورنمای روشنی از مکان و زمان تحصیلات نخستین شیخ در منابع موجود به دست نمی آید، اما استادان معروف وی را در فقه و روایت و تفسیر چنین بر شمرده اند:

۱. ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی فرزند شیخ طوسی و معروف به مفید ثانی.

۲. ابوالوفاء عبدالجبار بن عبدالله علی مقرئ نیشابوری.

۳. حسن بن حسین ابن بابویه قمی رازی (جد شیخ متعجب الدین).

۴. موفق الدین حسین بن فتح واعظ بکرآبادی جرجانی.

۵. سید محمد بن حسین حسینی جرجانی.

۶. شیخ ابوالفتح عبدالله بن عبدالکریم بن هوازن قشیری.

۷. شیخ ابوالحسن عبدالله بن محمد بن حسین بیهقی.

۸. جعفر بن محمد دوریستی.

از شاگردان او نیز افراد زیر را می توان نام برد:

۱. فرزندش حسن بن فضل.

۲. رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهرآشوب سروری

مازندرانی.

۳. شیخ متعجب الدین علی بن عبیدالله ابن بابویه قمی.

۴. ضیاء الدین فضل الله بن علی راوندی کاشانی.

۵. قطب‌الدین سعید بن هبة الله راوندی، معروف به قطب راوندی.

تالیفات طبرسی

به جز سه تفسیر یادشده، «المؤتلف من المختلف بین ائمه السلف»^۱ در فقه، و «إعلام الوری بأعلام الهدی»^۲ در سیره اهل بیت (ع) از او در دست است. نیز بیش از ده اثر دیگر را برای او ذکر کرده‌اند که برخی از آنها موجود است و برخی تنها نام آنها را در کتب تراجم می‌توان دید.

عصر طبرسی را باید دوران شکوفایی تفسیر نامید، چرا که هم زمان با او «کشف الاسرار» میبیدی، «کشاف» زمخشری، «روض الجنان» ابوالفتوح رازی و تفاسیر دیگری نیز نگارش یافته‌اند. چنان که دوران او را باید دوره گذار از مرحله تفسیرنویسی تک بعدی به دوره تفسیر نوین دانست و سرآغاز عصر تدوین تفسیر به شیوه نوین به حساب آورد. در دوره‌ای که تبیان شیخ طوسی سرآغاز آن بود تفاسیر ارزشمندی نگاشته شد که به ابعاد گوناگون ادبی، لغوی، تاریخی، فقهی، کلامی، عرفانی و... پرداختند و مجمع البیان در این میان جایگاه ممتازی داشته است. بنابراین تفسیر مجمع البیان طبرسی را باید در رده تفاسیر جامع جای داد که به جنبه خاصی محدود نمی‌شوند؛ هر چند رنگ و بوی ادبی آن بیشتر مشهود است.

مرحوم طبرسی شیوه نگارش این تفسیر و ترتیب و تنظیم مطالب آن را با محورهای زیر انجام داده است:

۱. اشاره به مکی و مدنی بودن سوره و آیات و موارد اختلاف آن.
۲. بیان تعداد آیات سوره و ذکر اقوال در این زمینه.
۳. وجه نامگذاری سوره‌ها و مناسبت نامها با محتوای سوره.
۴. ذکر فضایل تلاوت سوره و احادیث مربوط به آن.
۵. بیان اختلاف قراءت با عنوان «القراءة».
۶. تشریح وجوه قراءات و دلیل اعراب واژه‌ها، با عنوان «الاعراب».

۷. یادکرد معنای لغات مشکله آیات، با عنوان «اللغة».
۸. بیان علل و اسباب نزول آیات با عنوان «النزول».
۹. تفسیرها و تأویلهای آیه با عنوان «المعنى».
۱۰. بیان مناسبت و ارتباط آیه با آیات قبل و بعد با عنوان «النظم».
۱۱. بیان قصص با عنوان «القصة».
۱۲. بررسی احکام بیان شده در آیه.

روش تفسیری علامه طبرسی

ویژگیهای چندی را در روش تفسیری علامه طبرسی بویژه در مجمع البیان می توان جست و جو کرد که برخی از آنها از این قرارند:

یک. نظم بدیع

از ویژگیهای مجمع البیان، نظم بدیع و اسلوب سامان مند است که تفسیر او را در میان همه تفاسیر نمودار ساخته و تحسین همگان را در طول قرنهای برانگیخته است. او در واقع تفسیر تبیان را که به تعبیر خود او دارای غث و سمین و فاقد نظم و ترتیب بوده به زیباترین شکلی نظام بخشید و افزون بر آن تحلیلها و فوایدی نیز بر آن افزود. نیز آن را از برخی مطالب نابایسته پیراست.

طبرسی هر چند در دستاوردهای تفسیری خود نوآوری و پیشاهنگی نداشته و بیشتر به روایتگری و حکایتگری پرداخته و چنان که خود در پیشگفتار مجمع می نویسد جا برجای پای دیگرانی چون شیخ الطایفه نهاده و او را قدوه خویش می خواند، اما بی تردید آغازگر حرکت تفسیری نوین و پایه گذار تدوین تفسیر سامان مند بوده است، چرا که پیش از او دغدغه اصلی تفسیرنگاران، شرح ویژگیهای لفظی و ادبی و لغوی و یا نقل روایتهای پیرامونی بوده است. او در روایتگری صادق و امین، و در ارزیابی تیزبین و نقّاد، و در خوانش متن همه سو نگر بوده، در نقد دیگران جانب انصاف و اعتدال را پاس می داشت. در گزینش و چینش گفته ها و نوشته های مفسران تافته ای نیکو بافته که پیش از او و پس از او مانند آن را نیاورده اند.

در کنار این همه اما، هرگز مقلد و پیرو نبوده بلکه خود به عیارسنجی انگاره‌های کلامی، فقهی، معرفتی، ادبی و تاریخی و نقطه نظرات پیشینیان پرداخته است.

دو. متن محوری

قرآن محوری ویژگی دیگر تفسیر طبرسی است. شیخ محمود شلتوت در این زمینه می‌نویسد:

«این کتاب نخستین، و در عین حال کامل‌ترین کتاب تفسیر جامع است که افزون بر پژوهش گسترده و ژرف و پی‌جویی پیوسته و شگرف، با نظمی بی‌مانند، همراه با فصل بندی و چینش زیبا و پاسداشت بر تفسیر نگاشته شده است.

فن تفسیر را در خدمت قرآن می‌گیرد، نه آن که قرآن را در خدمت لغویان یا فقیهان درآورد، یا قرآن را بر نحو سیبویه و بلاغت عبدالقاهر و فلسفه یونان و روم تطبیق کند، یا قرآن را محکوم به پذیرش باورها و گرایش‌های طایفه‌هایی قرار دهد که خود باید محکوم به حکم قرآن باشند.»

سه. ادب پژوهش علوم اسلامی

ویژگی دیگر او اعتدال در نگرش مذهبی است. با آن که در عصری می‌زیسته که عالمان فرقه‌های مختلف تنها به باورهای خود اعتنا داشتند و از نقل سخن مخالف خود پروا می‌کردند، اما او از این کار پروایی نداشت. در نقل اقوال، تعصبی نشان نمی‌دهد و همه اصناف را به یک دیده می‌نگرد. آنچه را پذیرفتنی می‌داند از هر که باشد می‌آورد؛ چندان که بر او خرده گرفته‌اند که بیشتر از مفسران عامه نقل می‌کند حتی در تقدیم و تأخیر نام صاحبان دیدگاه‌ها غرض ورزی روا نمی‌دارد.

بر خلاف بسیاری از مؤلفان، از طعن و اعتراض و تحقیر نسبت به مخالفان خود پرهیز دارد، چندان که در آغاز تفسیر جوامع از زمخشری که حنفی و معتزلی است به نیکی و بزرگی یاد می‌کند و با دریدن حجاب معاصرت، اثر او را می‌ستاید.

این راه و روش او برای همه پژوهشگران پیمودنی و ستودنی است،

و سیره سلف صالح نیز چنین بوده است. شیخ مفید و سید رضی و مرتضی و شیخ طوسی را در این راستا می‌توان نام برد که در میان اهل سنت نیز مقبول و محترم بوده و کرسی درس و افتاء داشته‌اند.

به تعبیر شیخ محمدنقی قمی استاد فقید الأزهر، «او در تفسیر خود بر موضع انصاف ایستاده، از جاده ادب قرآنی کنار نهجسته، در جدل درستی نمی‌کند، و در سخن بی‌خردی نمی‌ورزد. با مخالف و موافق، نیکو و مستدل و مستند سخن می‌گوید، و بدین سان خواننده را امکان داوری درست می‌بخشد، و کتاب خویش را الگو و نمونه آیه «و جادلهم بالتی هی أحسن» قرار می‌دهد.»

چهار. همه‌نگری

ویژگی دیگر تفسیر او نگاه همه‌نگر به قرآن است. او با تسلط فراوان بر آیات قرآن، برای تفسیر یک آیه از آیه‌های دیگر سود می‌جوید و بدین سان جلوه‌های سبک‌پسندیده تفسیر قرآن به قرآن را به نمایش می‌گذارد.

پنج. جامعیت در علوم

شیخ طبرسی نمونه‌عالمان متقدم شیعی است که در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی صاحب نظر بوده و به تألیف در فنون مختلف همت گمارده‌اند. نیز مجمع‌البیان وی دایرة‌المعارفی از دانشهای مختلف قرآنی است. سوگمندان در سده‌های پس از وی علوم قرآنی در میان عالمان شیعی مورد غفلت واقع شده و کمتر در آن زمینه صاحب‌نظر بوده‌اند و به تصنیف پرداخته‌اند. به گونه‌ای که منابع مهم و اصلی علوم قرآنی به طور عمده از سوی عالمان اهل سنت و گاه با گرایشهای مذهبی خاص تدوین یافته است، و تألیف درخور توجهی در این زمینه پس از مجمع‌البیان در میان عالمان شیعه دیده نمی‌شود؛ جز در چند دهه اخیر که خوشبختانه رویکرد دوباره به دانشهای پیرامونی قرآن چونان تاریخ قرآن و دیگر علوم قرآنی رواج یافته و کتب ارزشمندی از سوی عالمان شیعی تألیف شده است.

شش. ماندگار با جاری اعصار

بی‌گمان سیر حرکت در بستر جاری تفسیر و ره‌پویه در صراط

مستقیم فهم کلام حق هرگز ایستایی نخواهد داشت، قرآن برای هدایت انسانها، با هر مبلغ و میزان از علم و دانش و معرفت که داشته باشند فرود آمده است. قرآن هم نوا با سیر شب و روز، و همسفر با عصرها و نسلها جریان دارد. همواره فهمهای نو بر نو را برمی تابد و در امتداد زمان نورافشانی می کند. کهنگی نمی پذیرد و پایان ندارد. در این رهگذر تفسیرهای نگاشته شده دو گونه اند؛ برخی دریافته‌ها و دستاوردهای زمان خود را که محصور در رهیافت‌های تاریخ مند و زمان مند بشری محدود هستند ارائه می کنند. این گونه تفسیرها هرگز در تاریخ مستمر هدایتگری قرآن همپای آن ماندگاری نخواهند داشت، و تاریخ اعتباری انقضای پذیر دارند و در گذر پیشرفت کاروان علم و معرفت ناگزیر از چرخه بیرون خواهند افتاد. اما تفاسیری چونان مجمع البیان به دلیل آن که شیوه‌ها و متدها و اصول و قواعد ثابت تفسیر را در بر دارند چونان خود قرآن و همپای آن ارزشی ماندگار و پایدار خواهند داشت.

هفت. معیار تفسیر، و تفسیر معیار

به تعبیر و تقریری دیگر، سیر مدام تدبیر و فهم کلام الهی وظیفه‌ای است که روند رو به رشد داشته و همواره به پیش می تازد، اما این فهم و برداشت، ناگزیر باید بر اساس متدها و پایه‌هایی باشد که در جای خود تعیین و تبیین شده اند، و سرپیچی از آن معیارها تفسیر به رأی خواهد بود. اینک معیار و مبنای تفسیر درست و منطبق بر موازین را در متنی همانند مجمع البیان با بهترین جلوه و نمود می توان جست و جو کرد، که اگر تفسیرگران بر اساس این اصول تبیین شده به کار تدبیر و فهم و برداشت از قرآن پردازند، مأذون و مجاز و مأجور و مشاب خواهند بود، و گرنه در هر پویه خویش بیم تفسیر به رأی خواهند داشت و هشدار سرانجامی آتشین.

می توان گفت مجمع البیان تفسیر معیار و معیار تفسیر است که اصول و قواعد ثابت تفسیر را گردآورده و نقطه آغاز دریافت مراد الهی از آیات شده و با پردازشگری «عبارات» به منظور گذر به سرمنزل «اشارات» و زمینه سازی برای دریافت «لطائف» و «حقایق» رهنمون است.

هشت . متن درسی

مجمع البیان طبرسی را به عنوان بهترین متن آموختنی در رشته تفسیر می توان شناساند که در این ویژگی در خور سنجش با هیچ متن دیگری نیست . گویی نویسنده آن را برای تدریس در حوزه های کنونی تفسیر نگاشته است .

در پایان باید یادآور شد که سوگمندانۀ مجمع البیان ، این میراث گراندرد اسلامی ، پس از گذشت بیش از یک قرن از صنعت چاپ ، هنوز چاپی در خور ارج و منزلت آن نداشته است و آنچه تاکنون ارائه شده کم و بیش دارای خطاهای فاحش و تغییر دهنده بوده ، با معیارهای تحقیق و تصحیح امروزی سازگار نیست . برخی از مراکز نیز سالها پیش تصمیم بر تحقیق و انتشار آن را اعلام کرده اند که هنوز این دعوی تحقیق نیافته است . باری به دست آوردن نسخه های کهن معتبر و تحقیق آن همراه با استخراج اقوال و ارجاع روایات و تهیه فهرست های فنی گوناگون ، کاری بایسته است . ضمن آن که این کار به دلیل دشواری و ویژگیهای متن مجمع البیان بی تردید کاری سخت و طاقت سوز است .

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

* درباره آوانگاری شهرت طبرسی برخی به تفصیل سخن گفته اند . مقدمه آیت الله شهید قاضی طباطبایی بر جوامع الجامع چاپ رحلی ، مقدمه میرزا محمدباقر مازندرانی بر شرح شواهد مجمع البیان تألیف میرزا طاهر قزوینی ، کتاب طبرسی و مجمع البیان نوشته دکتر حسین کریمان ، و مقدمه دکتر ابوالقاسم گرجی بر جوامع الجامع چاپ دانشگاه تهران را در این زمینه بنگرید .